

کتابخانه باقر قزق
شماره ۲۲

بازرسی شد
۱۶ - ۳۶

بازدید شد
۱۳۸۴

۸۳۶۳-ش

کتابخانه مجلس شورای ملی		
کتاب علم اخلاق		
مؤلف	شماره ثبت کتاب	
موضوع	۷۸۶۷۹	
شماره قفسه ۱-۲۲۲		۱۱۳۱۱

خطی «فهرست شده»
۱۰۲۲۲



در علم هند

ن

فرستاده ام از خویش اسم بوی خوش
عزیز اسم کرم کرم بوی خوش
کرم خوش کرم کرم بوی خوش



۱۵

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دروسا لمن يتفكر
وآياتا لمن يتدبر
فمن أراد أن يعرف
الحق من كل شيء
فليست له حيلة
إلا أن يتفكر
في خلقه
ويعلم أن كل شيء
قد خلق له حكمة
وأن كل شيء
قد خلق له درس
فمن أراد أن يعرف
الحق من كل شيء
فليست له حيلة
إلا أن يتفكر
في خلقه
ويعلم أن كل شيء
قد خلق له حكمة
وأن كل شيء
قد خلق له درس

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دروسا لمن يتفكر
وآياتا لمن يتدبر
فمن أراد أن يعرف
الحق من كل شيء
فليست له حيلة
إلا أن يتفكر
في خلقه
ويعلم أن كل شيء
قد خلق له حكمة
وأن كل شيء
قد خلق له درس
فمن أراد أن يعرف
الحق من كل شيء
فليست له حيلة
إلا أن يتفكر
في خلقه
ويعلم أن كل شيء
قد خلق له حكمة
وأن كل شيء
قد خلق له درس

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

حمدی هم در صفت خودی نفسی قول اینها می نماید و در مراد نفسی دیگر
 آنهاست که از این نفس لفظی غافل می شود و بر این صفت و صفات و صفات دیگر
 مذهب که از این صفت گویند و در صفت که می بیند حکم که در صفات
 در عین صفت نفسی و گفته در صفت و بر صفت که در صفت و در صفت
 بهار از صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت
 بر صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت
 سنن اللوح که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت
 طایفه که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت
 حکم و صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت
 از صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت
 در صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت
 منتهی صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت که در صفت

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

از آن چهارست **چهارم** که محبت از خصلت است
 حکمت از لایکه محبت از لایکه محبت و میانه
 محبت از اجتماع با برین و دوری که در نزد محبت
 اجتماع و دلایلی که محبت از محبت است
ضابط محبت از دلایلی که در ضابط است
 خاک که در طلب از آن که محبت است
 بنابر اول محبت از دلایلی که محبت است
 در محبت است از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است
 و محبت از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است

لف و فایده محبت از دلایلی که محبت است
محبت از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است
 محبت از دلایلی که محبت است

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

بود بر لایق و لایق و ولد تو راضی و خشنود
 لذت و رفاه و کمال و آسایش و طرب و شادمانی
 شکر و کمال و محبت و مهر و دوستی و محبت
 از این دل و دلی و در دل و دلی و در دل و دلی
 خوش و شاد و طرب و شادمانی و در دل و دلی
 فاضل و شریف و نجیب و دانا و در دل و دلی
 در دل و دلی و در دل و دلی و در دل و دلی
 و چنانکه در دل و دلی و در دل و دلی
 عالم و دانا و در دل و دلی و در دل و دلی
 خوش و شاد و طرب و شادمانی و در دل و دلی
 در دل و دلی و در دل و دلی و در دل و دلی

فانفسه
منافعه بار بار با هم
و انصاف و عدل
با علم و خردی
اصناف و صنایع
اعمال و کسب و کار
از اینهاست که جمیع امور دنیا
در اینهاست که جمیع امور دنیا

دراخت ۴

[illegible]

امراضی نفسی چنانکه در طب ابراهیم علیق امراضی نفسیه در طب
فلسفی نیز بدلت لفظیت اضداد نفسی خوانند بگویند
فضايل است و اضداد نفسی چنانکه سابقا مذکور
گشت بر اقسام دو تنه بطوری در ادب است و فضايل حواء
رسیده است بر نفس و فاضل در احسان است در اعلی
جنس نفس معلوم گشت است و علل است معلوم گشت و علل
معالجه نفسی نفسی و نفسی حکیم از نفسی طایفه است
متعلق بین لایق و در ادب است با یکدیگر و نیز چنانکه
با ادب و کمال نفسی منقطع است و در ادب است در ادب
نفسی از آن بدید بر سر است و ملا فی نفسی
یا نفسی است و نفسی و از و منقطع است
می شود و مانند هر یک از اضداد و از ادب است

اول بشره یا از زدن و لاغری در آن حال
 خصوصاً در غنای ریه ها در کف مانند دل و معده
 تغییرات می یابد و در بعضی قوت می رود
 و خنک و تغییر در حالت انقباض و انقباض
 طبعی و غیره در معده و خول و کف و کف
 که در ریه ها و غنای ریه ها و کف و کف
 معالجات که در ریه ها و غنای ریه ها و کف و کف
 سبب تغییر احوال می شود و در ریه ها و کف و کف
 در کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف
 چهار است اول یعنی در کف و کف و کف و کف
 وضع انقباضی در کف و کف و کف و کف و کف و کف
 انقباض و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف

و در کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف
 و در کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف
 در کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف
 طبیعت که در کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف
 و در کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف
 مضطرب و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف
 اخاف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف
 بکف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف
 در کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف و کف

و لا خج کرد از خج پندیده اند و حضرت که می آن
 نفیست در خج خود خج کرد از خج
 بار آورد و خج را که نفیست کند و لکن می معذور
 حاصل نفیست که خج زدن است بدین
 بر آن ملوک و در خج آنند که نفیست خج آن
 مضرب است که لکن و خج نفیست مضرب است
 تا آن مضرب را که نفیست و در نفیست لکن
 و لکن آن تیر و نفیست نفیست نفیست
 خج و کار نفیست نفیست نفیست
 نفیست نفیست نفیست نفیست
 در نفیست نفیست نفیست نفیست

لا باید که سراط اعتدال که خج نفیست آن نفیست
 که مضرب لکن نفیست نفیست نفیست
 و نفیست نفیست نفیست نفیست
 جدید که نفیست نفیست نفیست
 و لکن در و لکن آن نفیست نفیست
 نفیست نفیست نفیست نفیست
 آن نفیست نفیست نفیست نفیست
 نفیست نفیست نفیست نفیست
 نفیست نفیست نفیست نفیست
 نفیست نفیست نفیست نفیست

[illegible][illegible]

[illegible]

پس حضرت زهرا باد و در کعبه و در بیت ان حوین
 حبس شده و کجا و افعان ضاع و الله که باید که زیارت
 در منزل مهم و حاجت حضرت زهرا و اموال قیام نماید و ان
 حبس تا حضرت و لا محبت تا زینب ان را بگویند
 حبس الله که در حبس ان رضای او هر چه
 خفته گردیدیم تا حضرت زهرا که در حبس ان
 و مولا که در حبس و مولا که در حبس و مولا که در حبس
 که در حبس و مولا که در حبس و مولا که در حبس
 در حبس و مولا که در حبس و مولا که در حبس
 و مولا که در حبس و مولا که در حبس و مولا که در حبس
 و مولا که در حبس و مولا که در حبس و مولا که در حبس

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 وبعد

براست اید مانند برادران و برادران
 سالت و کجاست و کجاست
 باضاعت زنده اند و در کتب
اول احمد در جرد مایه علم و فضل
 و لذت حید و دزدی و کولر و روع و قمار و اید و علم در
هم احمد در لغات مانند کجاست و کجاست و کجاست
سیم ذات مایه علم و فضل و کجاست
 تمام اصف خستگی مانند و کجاست و کجاست
 مفداست **هم** احمد در فضل و کجاست

در میان تجارت حمد
 در میان و کجاست

من و کجاست با و کجاست و کجاست
 من و کجاست با و کجاست و کجاست
 و کجاست با و کجاست و کجاست
 در میان و کجاست با و کجاست
 رز با و کجاست با و کجاست
 اصف نیست و کجاست با و کجاست
 جبران تمام مایه علم و فضل و کجاست
 ان کجاست با و کجاست با و کجاست
 بر و کجاست **اول** احمد در فضل و کجاست
 در میان و کجاست با و کجاست
 احمد در فضل و کجاست با و کجاست

[illegible][illegible]

[illegible]

و هر چند وقت اجازت بازی کنی و مندر بطا که بازی کنی
و در آن حال که سر بطا و دانشی هر دو را در معجم بطی قوت
و که حب بنده و حب بلاد است در غلظت معجم
ولی که کتاب اندیشه کنی که بود و بلاد کنی که بود
چه ای که سبب مضایق و عجز دارد از لایق
ناید جز آنکه در آنجا جو طریقی معجم مضایق دارد
که در آن در آخر آن معجم تمام در جو را در معجم میم
باینجا طوری که در آنجا مضایق است و غیرت
و چون از حد کنی که در آنجا مضایق است که در آنجا
علم او را معجم علم بر غیر معجم که در آنجا علم بر معجم
معجم علم و اولی که در آنجا مضایق است که در آنجا

برکات

[illegible]

و کردن کولدر بر وی ای و لذت و تعب و دهن و آلودن
و در تعب خوردن کشیدن استر و لذت دانه و لذت کولدر
نمیکنند و اگر در وقت خواب که کولدر را خود و بر سر آید و بگوید
عظم کشید و در مجلس ایستاده بخورد که بداند که آید و بگوید
و اگر در مجلس ایستاده بخورد که بداند که آید و بگوید
صد و پنجاه و اگر در وقت مجلس ایستاده بخورد که بداند که آید
حرف و آفتاب ایستاده بخورد که بداند که آید و بگوید
تا مجلس برین طریقی که در این باب کار می شود و در این
و در این مجلس که در وقت مجلس ایستاده بخورد که بداند که آید
به مجلس ایستاده بخورد که در وقت مجلس ایستاده بخورد که بداند که آید

[illegible]

هر که بایست که در تالی محقق شود و ملل و قلم آن بوی که نام
 سر کنند که با کمال و در عبارت کمال را با معنی و کمال
 که که گویند بر از سخن کار نام بایست که سخن لغوی آن در دست
 و در ملل و مقام لغوی آن که جامع و صاف و کمال است
 باید که صفا و محبت در میان آن عالم نام که سخن است
 و در هر یک از این سخن در میان و در از معانی است
 و در هر یک از این سخن با هر یک از این سخن نامید بعضی
 و در هر یک از این سخن در میان و در از معانی است
 و در هر یک از این سخن با هر یک از این سخن نامید بعضی
 و در هر یک از این سخن در میان و در از معانی است
 و در هر یک از این سخن با هر یک از این سخن نامید بعضی

[illegible][illegible]

لذو کبدی مختار بر ما در ملک و کتب اجتماع
 لغت در رسم عیالت نام و حق و حق در عیالت
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 لایمان اورا نام و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 در عیالت نام و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 خدمت و خدمت و خدمت و خدمت و خدمت و خدمت و خدمت
 و لایمان ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 و خدمت و خدمت و خدمت و خدمت و خدمت و خدمت و خدمت
 بر ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک

ماری بر ما در ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک
 ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک و ملک

در میان همه که آید و مصدر را لایق است و بر طبق
 و بداند که این اجتماع که میان این جماعت است و در میان
 میان کلمه جماعت و علم است که باید که و بپرداز آن اجتماع
 که بدین و بپرداز آن اجتماع علم است که باید که آن است
 گویند و بپرداز آن اجتماع علم است و چون از میان علم است
 این علم را در اجتماع علم است که باید که در میان علم است
 جماعت فاعل و فاعل و فاعل است که باید که در میان علم است
 در جماعت و در علم است که باید که در میان علم است
 با کمال و کمال است که باید که در میان علم است
 در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است
 در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است

که در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است
 که در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است
 که در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است
 که در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است
 که در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است
 که در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است
 که در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است
 که در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است
 که در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است
 که در میان جماعت و علم است که باید که در میان علم است

95

[illegible]

4v

۲۰

۶۹
بایست در این امر اضی و ذلالت نماید و طاعت
خود و غلبه و محبتی بنده را بحکم طالع طالع و طالع
و مصیبت بکلیه کند و او را لذت و لذت آن حالتها
و در آن زمان از یاد او و آن حالتها بازماند و لذت و طاعت
آن غایت شد و چنانچه در محبت و لذت خود و غیر
و اگر محبت خود و لذتی که است در لذت و غیر خود
و محبت و غیر خود را که محبت و لذت و غیر خود است
لذت و لذتی که است در لذت و غیر خود است
کمال و غیر خود را که محبت و لذت و غیر خود است
میان طاعت و محبت تمام نموده پس در محبت و لذت
محبت و غیر خود را که محبت و لذت و غیر خود است

و ایضا مولیت که بایست خیر است بایست ترا که
لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت
محبت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت
لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت
و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت
معنوی و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت
لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت
وجود و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت
بسیار و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت
و فرح و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت و لذت
و او را نفی نمود و بر احکام آن امر جاریست

و تو خدایم که در این عالم بیاوردی که در ملک خودی
 ملک و لطیفی بدی و زبان تو گشود و در ذکر خیر تو گشود
 با جلالی و شرفی و عبادت و خدای تو و حق و قدر را بداد
 فانی و خالق و مبدی و معبود و اول و آخر و اول و آخر
 و دولت و غایت و اول و آخر و مبدی و معبود و اول و آخر
 و خدایم که در این عالم بیاوردی که در ملک خودی
 و خود را در این عالم بیاوردی که در ملک خودی
 انشای تو در این عالم بیاوردی که در ملک خودی
 برین عالم بیاوردی که در ملک خودی
 عز و جلالی که در این عالم بیاوردی که در ملک خودی

خدایم که در این عالم بیاوردی که در ملک خودی
 لا ایدام الله فی العبد العبدی که در این عالم بیاوردی که در ملک خودی
 فاطمه و محمد و آل محمد و در این عالم بیاوردی که در ملک خودی
 حرم و کار و عبادت و خدای تو و حق و قدر را بداد
 در این عالم بیاوردی که در ملک خودی
 بر این عالم بیاوردی که در ملک خودی
 موعود و ملائکه و اول و آخر و مبدی و معبود و اول و آخر
 و در این عالم بیاوردی که در ملک خودی
 در این عالم بیاوردی که در ملک خودی

اول

در این عالم

۷۲
چنانچه در کتب و باید که در هیچ کتابی
حواله نموده اند و در بعضی کتابی
صادقانه مولی علی بن ابی طالب
و در اینجا مالک و طاهر علی بن ابی طالب
مخبریم که در کتب اهل بیت که در این کتاب
بنا بر وقت و طریقی که در این کتاب
نکات الله خود کند و در بعضی کتابی
و اگر کسی در این کتاب
که این کتاب است و در بعضی کتابی
و این کتاب است و در بعضی کتابی
ظاهر و در بعضی کتابی

مولا علی

بیر لکه مولی الله و باید که در هیچ کتابی
و در بعضی کتابی
هم که در بعضی کتابی
راضی نباشد و در بعضی کتابی
این و در بعضی کتابی
در بعضی کتابی
نسب به بعضی کتابی
یا فرزند یا مقادیر
تا بعضی کتابی
از این کتابی

در جواب نفس خود مانت کند بالتج خود را معذور و الله
از هم دایره آن کتاب تو در کو و حقی صدیق است
یافت و دعای حق بود با الله و در هر روز تسبیح
تسبیح از دست و به سجده و در هر روز تسبیح از دست و در هر روز
و فاتی که در این کتاب است و در دعای که الله تعالی بخواند
مطمئن و خدای عالم که کتاب و در این کتاب با الله تعالی است
و احب از هر چه که در این کتاب است و در هر روز تسبیح
در باطن الله تعالی کند زیرا که الله تعالی بخواند
خدا تعالی بخواند و در هر روز تسبیح از دست و در هر روز
و جملع الله تعالی و در هر روز تسبیح از دست و در هر روز
معلوم و در این کتاب است که در هر روز تسبیح از دست و در هر روز

و من بعد از این
و من بعد از این

[illegible]

[illegible]

والله فضلكم في كل شيء ودر همه للوالد معاف است و لا بد که باید
واجب بر هر غیر است از کار خبر کند و در هر حال
مباحه بالین علم کند و معتمدان ندانند که او را
و ملاخصه او را و طالع آن که در هر یک از این موارد
باید در ظاهر است و در هر یک از این موارد
که صادق است و هر یک از این موارد که
میان طالع و محار و طالع است که در هر یک از این موارد
زیاده که در هر یک از این موارد که
در هر یک از این موارد که در هر یک از این موارد
و هم که در هر یک از این موارد که در هر یک از این موارد
و در هر یک از این موارد که در هر یک از این موارد

